

فرهنگ و دین

برگزیده مقالات دائرة المعارف دین

ویراسته میرچا الیاده

هیئت مترجمان

زیر نظر بهاء الدین خرمشاهی

فهرست

هفت	
۱	■ پیشگفتار ویراستار
۴۸	□ اخلاق و دین: رونالد م. گرین / حجة الاسلام صادق لاریجانی
۱۰۴	□ عرفان: لویی دو پره / محمدرضا جوزی
۱۲۴	□ شک و ایمان: گدس مک گرگور / بهاء الدین خرمشاهی
۱۴۷	□ جداانگاری دین و دنیا: براین ر. ویلسون / دکتر مرتضی اسعدی
۱۷۵	□ فلسفه و دین: جان ای. اسمیت / بهاء الدین خرمشاهی
۲۰۰	□ روان شناسی دین: جیمز و. هیسینگ / بهاء الدین خرمشاهی
۲۳۸	□ علم و دین: استانلی ل. جکی / بهاء الدین خرمشاهی
۲۴۹	□ هنر مدرن: راجر لیسی / کامران فانی
۲۷۵	□ زیبایی شناسی فلسفی: جیمز آلفرد مارتین / مهرانگیز اوحدی
۳۰۹	□ ادبیات و دین: آنتونی سی. یو / ناصر ایرانی
۳۲۸	□ ابعاد دینی ادبیات جدید: ناتان آ. اسکات / ناصر ایرانی
۳۴۶	□ رمان به عنوان ادبیات غیر دینی: رابرتسون دیویس / ناصر ایرانی
۳۸۰	□ نمایش و دین: ریچارد شکنر / داود حاتمی
۴۰۹	□ سینما و دین: پ. آدامز سیتنی / مجید محمدی
۴۴۳	□ رقص و دین: جودیت لاینه هانا / مهرانگیز اوحدی
۴۷۲	□ موسیقی و دین: ترالینگسون / مهرانگیز اوحدی
۵۰۵	□ پوشاک دینی در مشرق: جان ای. وولمر / مهرانگیز اوحدی
۵۰۹	□ خوشنویسی اسلامی: آنماری شیمل / دکتر مرتضی اسعدی
۵۱۸	□ الهیات سیاسی: فردریک ج. لاورنس / دکتر فاضل لاریجانی
۵۲۸	□ انقلاب: گونتر لیوئی / دکتر مرتضی اسعدی
۵۴۸	□ اصلاح: جوزف ل. بلو / دکتر مرتضی اسعدی
۶۰۱	□ سیاست و دین: ماکس ل. استکهاوس / دکتر مرتضی اسعدی
۶۱۴	■ واژه نامه
	■ نمایه

پیشگفتار ویراستار

خیز تا بر کلک آن نقاش جان افشان کنیم
کاینهمه نقش عجب در گردش پرگار داشت
(حافظ)

جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان در قرون گذشته، از انسان به‌عنوان هوموارکتوس (انسان مستوی‌القامه) و هوموفابریگوس (انسان ابزارساز) و هوموپولیتیکوس (انسان سیاست‌ورز) سخن می‌گفتند، امروزه از انسان به‌عنوان هومورلیجیوسوس (انسان دین‌ورز) هم سخن می‌گویند. چرا که بر وفق جدیدترین پژوهش‌های جامعه‌شناختی، چه در افریقای جنوبی و مکزیک (که بالنسبه توسعه‌نیافته‌اند) و چه در امریکا که پیشرفته‌ترین جامعه بشری (از نظر فرهنگ مادی) است، بیش از نودوپنج درصد انسانها به‌وجود خداوند ایمان دارند (← تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، نوشته رونالد اینگلهارت، ترجمه مریم وتر، تهران، نشر کویر، ۱۳۷۳، ص ۲۱۶) و همین واقعیت، نظر و نظریه‌ای را که مدعی بود با پیشرفت اجتماعی و افزایش رفاه مادی، دین و اندیشه دینی انحطاط می‌یابد، ابطال می‌کند. مؤید دیگر برای دین‌ورز بودن سرشتی انسان این است که محققان هیچ قومی از اقوام بشری را نیافته‌اند که دیندار - یا به‌رحال صاحب نوعی دین - نبوده باشند.

دین هم کهنترین و هم نافذترین و اثرگذارترین نهاد اجتماعی بشر است. شاید فقط نهاد علم، تحول‌آفرین‌تر و فرهنگ و تمدن‌سازتر از دین باشد. در اینجا هم می‌توان گفت که دین به‌علم و علوم بیشتر مدد رسانده است، تا علم و علوم به‌دین. در تاریخ تمدن بشری، نه دین بی‌فرهنگ داریم و نه فرهنگ بی‌دین. امروزه در فرهنگ بشری، پنج دین جهانی عظیم‌الشان داریم که عبارتند از: آیین

کنفوسیوس (پدیدآورنده تمدن چینی)، آیین هندو (پدیدآورنده تمدن هندی)، آیین بودا (شریک در پروراندن تمدن هندی و چینی و ژاپنی)، آیین مسیحیت (پرورنده و پیش‌برنده تمدن غربی/اروپایی و امریکایی) و دین اسلام (زاینده تمدن اسلامی).

در عهد باستان هم اگر تمدن مصر و یونان و روم زایا و بارور بود، برخوردار از دین و ایمان کهن بود. اگر به جای خرده‌مذاهب کم‌تأثیر، دینی بزرگ و فراگیر در قارهٔ افریقا طالع گردیده بود، چه بسا افریقا از دیرباز از تمدن و فرهنگ بزرگ و باروری برخوردار می‌گردید.

شاید یکی از بهترین مصادیق فرهنگ‌آفرینی و تمدن‌سازی ادیان، در کشور خودمان اتفاق افتاده باشد. چنین نیست که عربها در دهه‌های اولیهٔ ظهور اسلام، که هنوز ساختار و سامان اجتماعی معتنابهی هم نیافته بودند، «وحشیانه» به تمدن شکوهمند ساسانی تاخته و آنرا از پا درانداخته باشند. ایران در اواخر عهد ساسانی صورتی بود از محتوا تهی شده و از رمق حیاتی و فرهنگی افتاده، و اسلام و عربهای مسلمان، محتوایی بودند صورت‌نیافته؛ و از پیوند بارور و کارگر آن دو، یکی از غنی‌ترین تمدن و فرهنگهای بشری پدید آمد.

هیچ نهادی از نهادهای اجتماعی و فرهنگی بشری نیست که دین در آن تأثیر سازنده و سامانگر نداشته باشد.

علم و دین

در جهان باستان، کتاب و کتابت و سواد و خط، با دین و دینیاران [=روحانیان] پیوند داشت. این دو گونه به علم و پیدایش و پیشرفت علوم مدد رسانده است: نخست با تکوین و تدوین علوم دینی، از جمله قرائت و پژوهش کتاب مقدس و تفسیر متون مقدس و پدیدآوردن الهیات یعنی علم عقاید و اصول، و فقه یعنی علم فروع و احکام و اعمال و آداب دینی و حتی عرفی، و نیز علم حدیث که مآثرات و گفتارهای اولیاء و مقدسان بوده است و معارف دیگر. دوم طبیعت را که کتاب تکوینی است، مقدس‌شمردن و علوم طبیعی را تشویق کردن. چنانکه

فرموده‌اند: «العلم علمان: علم الادیان و علم الابدان». اگر راهبرد و رهبری درست ادیان جهانی نبود، بشر دیروز، چه بسیار دیرتر و افتان و خیزان‌تر، از عصر و عملکرد جادو به عصر عملکرد علم می‌رسید.

دین و فلسفه

پنج دین جهانی بزرگ که برشمردیم هر یک و همه پرورنده نظامهای فلسفی-الهیاتی بوده‌اند و در آن میان مکتبهای فلسفی-حکمی هندی، بودایی، مسیحی و اسلامی از ارج و اعتبار شگرفی برخوردار بوده‌اند و همچنان هستند. و در حوزه این دین-فرهنگها، فلسفه با الهیات و الهیات با فلسفه توأمان بوده است. و از این میان فلسفه مسیحی و اسلامی ربط و پیوند عمیق و وثیقی با فلسفه یونان دارد.

دین و عرفان

پیوند مکتبهای عرفانی با ادیان چندان نزدیک و همه‌جانبه است که جداانگاری آنها غریب و جداسازی آنها محال می‌نماید. همه ادیان به‌ویژه پنج دین بزرگ جهانی عرفانی و عرفان‌پروراند. و در دامان هر یک چه بسیار طریق و مکاتب و سلسله‌های عرفانی پدید آمده است.

دین و اخلاق

انسان به‌همانگونه و به‌همان ژرفا که انسان دین‌ورز است، انسان اخلاق‌ورز نیز هست. همزادی و همسویی اخلاق با دین، حتی از عرفان هم بیشتر است. انسان بالذات، سرشت و ساختار اخلاقی دارد. و بسیاری از متفکران در حیرتند از اینکه انسان دانش و بینش ماتقدم (ماقبل تجربی) اخلاقی دارد، و اصول اساسی اخلاق (ولی نه آداب) را که بر شناخت خیر و شر استوار است، به‌درستی و بی‌آموزش، به‌جای می‌آورد. اگر هم بهره‌هایی از اخلاق آموختنی باشد بزرگترین و والاترین آموزگاران اخلاق، انبیاء عظام الهی بوده‌اند و کهن‌ترین مضامین و

احکام اخلاقی در مطاوی کتب مقدس آمده است. شناخت و بازشناسی حق و باطل و خیر و شر و شایست و ناشایستها در همه ادیان بزرگ مطرح است و نظام پاداش- و پادافراه در ادیان و اخلاق همسان و گاه یکسان است. ادیان با قول به جاودانگی روح و ثواب و عقاب اخروی، به حق به انسان تعالی و تسلی بیشتری می بخشند.

در تفاسیر قرآن کریم آمده است که عموی فرزندق شاعر معروف، سرانجام بر تردید و بیعملی خود غلبه کرد و به حضور رسول الله (ص) بار یافت تا در نزد ایشان اسلام آورد و پیامی از قرآن بشنود: حضرت (ص) این آیات قرآن را که به تازگی نازل شده بود بر او خواندند: «فمن يعمل مثقال ذرة خیراً یره. ومن يعمل مثقال ذرة شراً یره» [سوره زلزله، آیات ۷-۸] (هر کس همسنگ ذره‌ای نیکی کند پاداش آن را می بیند. و هر کس همسنگ ذره‌ای بدی کند، کیفر آن را می بیند). با شنیدن این کلمات ژرف، سراپای وجود آن مرد منقلب شد و بی اختیار فریاد برآورد: حسبی، حسبی. (همین سخن از قرآن مرا کفایت است). اگر قرار باشد پیام اصلی اخلاقی قرآن کریم در دو کلمه بیان شود، کلامی رساتر و تمام تر از این دو آیه وجود ندارد. از همین روی، رسول اکرم (ص) این سخن را جامعه فاذه (یکه سخنی فراگیر) نام نهاده بود.

از نظر انسان دین ورز که به یکسان اخلاق ورز هم هست، در کیهان و در حیات انسان عبث و گزافی وجود ندارد. «اگر یک ذره را برگیری از جای/خلل بیند همه عالم سراپای». از نظر او «هر عمل اجری و هر کرده جزایی دارد».

دین و هنر

به نظر می رسد که انواع هنرها از بدوی تا مدرن، حمایتگری مهم تر از دین نیافته اند. در عوض دین هم سخنگو و شارحی کارآمد از هنرها در خدمت خود گرفته است. در فرهنگ غربی ادبیات کمتر از سایر هنرها و موسیقی بیش از همه در خدمت دین بوده است. در فرهنگ اسلامی بر عکس، ادبیات مهمترین رسانه هنری دین، و موسیقی کم اهمیت ترین رسانه بوده است. در اسلام بعد از ادبیات،

و در مسیحیت بعد از موسیقی، معماری بیش از سایر هنرها ملهم از دین و در خدمت دین بوده است. در اسلام به جای مجسمه‌سازی و نقاشی که ممنوع شمرده می‌شدند، هنرهای تزئینی مهمی چون خوشنویسی و تذهیب و تشعیر و کتاب‌آرایی رشد کرده است. علاوه بر تئاتر سینما هم در عصر جدید محمل اندیشه دینی است. گفتنی است که در حوزه تمدن اسلامی از ترکیب رقص و موسیقی که کمابیش درباره‌ی روایی آنها بحث و اختلاف نظر بوده است، «سماع» به‌ویژه در محافل و طریق عرفانی پدید آمده بوده است.

دین و اقتصاد

صاحب‌نظران بر آنند که مسیحیت به‌ویژه مذهب پروتستان، مهد رشد و تکامل سرمایه‌داری بوده است. و اساس این رشد و ترویج مبتنی بر «اخلاق کار» مسیحی است که به‌گفته‌ی ماکس وبر و دیگران بر وجدان کار و کار منضبط و ترجیح سود درازمدت بر سود کوتاه‌مدت و حسابگری یا حساب و کتاب داشتن استوار است. اسلام هم اگر سرمایه‌داری را رواج نداده باشد، به‌رحال روا داشته است. هیچ دین دیگری هم از ادیان بزرگ، رهیافت ضد سرمایه‌داری ندارد. در عصر ما پس از دهه‌ها کوشش مارکسیسم و کمونیسم در کریه‌سازی چهره‌ی سرمایه‌داری، سرمایه‌داری هر قدر از نظر علمی درست و از نظر عملی ناگزیر و بی‌جانشین باشد، گویی بار اخلاقی منفی دارد. ادیان هم به‌این پیامدها یا لوازم منفی اخلاقی سرمایه‌داری و زراندوزی توجه داشته‌اند و چاره‌هایی برای آن اندیشیده‌اند از جمله خیرات و مبرات واجب (در اسلام خمس و زکات)، خیرات و مبرات یا صدقات مستحب، وقف، کارهای خیریه و نظایر آن. و از همه مهمتر اینکه غالباً تعاون و قرض‌الحسنه را تشویق کرده و از رباخواری منع کرده‌اند.

دین و سیاست

کمتر عاقلی به‌اندازه‌ی دین و ایمان در ایجاد تحولات تاریخی و دوران‌ساز از حمله

به مدد جهاد (جنگ مقدس) و جنگهای دیگر و تشکیل سلسله‌ها و خاندانهای حکومتگر دخالت داشته است. در کمتر درباری از دربارهای قدیم است که دینیاران نقش و نفوذ نداشته بوده باشند. در بسیاری از ادوار تاریخی، بسیاری از شاهان و فرمانروایان برای حکومت خود به حق یا ناحق الهام یا منشأ الهی قائل شده‌اند. کلیسا از بدو تأسیس تا عصر جدید غالباً دولتی در برابر دولت یا مسلط بر دولت بوده است. گاه نیز حکومت‌های دینی حقیقی و حقانی برقرار بوده است. اگر پیوند دین و سیاست (حکومت) کارنامه‌ای درخشان نداشته است، از این است که غالباً فرمانروایان از نقش و نفوذ دین سوءاستفاده می‌کرده‌اند. وگرنه، از آنجا که دین غالباً هم‌معنان با اخلاق است، پیوندش با سیاست و حکومت می‌تواند بارور و به نفع حکومت‌شوندگان و جامعه بشری باشد.

□

این نهادها که برشمردیم و نقش و نفوذ عمیق دین را در آنها به اجمال و اشاره باز نمایانندیم، نمونه‌ای از مهمترین نهادهای اجتماعی-فرهنگی بشری است.

شاید عصر ما عصر بازنگری و بازگشت به دین باشد. دو قاعده بزرگ مادینگری و مادی‌نگری، یعنی پوزیتیویسم (در زمینه اندیشه و علم) و مارکسیسم/کمونیسم (در زمینه عمل و اقتصاد و جامعه‌گردانی) شکست خورده است و برای بشریت رنج‌دیده امروز، مجال تأمل در معنویات و بازگشت به سنت‌های مینوی که جامع‌ترین مصداق آن دین است، فراهم گردیده است، که غیر از کشور خودمان نمونه‌های دیگر آن را در جمهوریهای سابق شوروی و ژاپن و کشورهای دیگر، حتی در غرب پیشرفته، می‌توانیم مشاهده کنیم.

بر خلاف بعضی از هموطنان ما که فقط تا حدودی غرب سیاسی را می‌شناسند و گمان می‌برند غرب فرهنگی کافرستان است، اندیشه دینی و دین‌پژوهی در قرن نوزدهم و مخصوصاً در قرن بیستم ترقی و حتی تعالی شگرفی یافته است. یکی از اتفاقات حسنه قرن بیستم این بود که دانشمندان بزرگی چون پوانکاره، ادینگتون، ماکس پلانک، اینشتین، هایزنبرگ و دیگران در عین آنکه مجذوب پوزیتیویسم نشدند، شخصاً دیندار یا به نوعی معتقد

به حقایق دینی بودند و این امر برای عامه مردم که پیشرفت علمی را با دین و دیانت مخالف می‌دانستند، مایه تأمل و عبرت بود.

امروزه دین‌پژوهی به شیوه علمی و با استفاده از روشهای متبع در علوم اجتماعی و علوم انسانی و حتی علوم طبیعی جزو پیشرفته‌ترین تحقیقات و رشته‌های آکادمیک است. پس از شلایرماخر و امثال ویلیام جیمز، دین‌پژوهانی چون رودولف اوتو، فان درلیو و میرچا الیاده و متکلمان و کلام‌شناسانی چون برونر، بارت، بولتمان، تیلیخ، هیک و کونگ به عرصه آمده‌اند که آثار و آراشان تأثیری درازدامنه و درازآهنگ بر فکر دینی و دین‌پژوهی قرن حاضر به‌جای گذارده است. شأن و مقام علمی و فرهنگی و فکری این متفکران با همتایانشان یعنی بزرگان علم و فلسفه در قرن بیستم قابل مقایسه است.

آثار دینی و دین‌پژوهی که در غرب انتشار می‌یابد حجم و تنوع و عمق معتناهی دارد و به‌سه زبان عمده غرب یعنی انگلیسی، فرانسه و آلمانی، به‌تخمین راقم این‌سطور سالانه در حدود دوهزار عنوان کتاب اعم از مرجع و عادی - قطع نظر از نشریه‌های بسیار - در این زمینه منتشر می‌گردد.

پس از دایرةالمعارف دین و اخلاق و دایرةالمعارف کاتولیک، جدیدترین مرجع دین‌پژوهی که چند سال پیش انتشار یافته است دایرةالمعارف دین ویراسته و زیر نظر میرچا الیاده است.

دایرةالمعارف دین، به‌زبان انگلیسی در ۱۶ مجلد (جلد شانزدهم: فهارس راهنما) در حدود ۸۰۰۰ صفحه و ۸ میلیون کلمه است و در مدت هفت سال تدوین و در سال ۱۹۸۷ انتشار یافته است. این اثر گرانقدر دارای ۲۷۵۰ مقاله اصلی است و ۱۴۰۰ نفر از دین‌پژوهان جهان از پنجاه کشور با آن همکاری کرده‌اند. در این اثر تاریخ ادیان گذشته و حال سراسر جهان در سراسر تاریخ معرفی شده‌اند. طبعاً رجال دینی، کتب مقدس، نهادها، آداب و شعائر و مناسک و مراسم و معتقدات و نظریه‌ها و نمادها، قصص، اصطلاحات، مفاهیم و نیز ربط سایر حوزه‌های فرهنگی نظیر فلسفه، هنر، علم، سیاست، حقوق و اخلاق و نظایر آنها با دین و مقولات دینی را نیز از نظر دور نداشته‌اند.

راقم این سطور نقد و معرفی مفصلی مخصوصاً با توجه به جنبه اسلامی‌شناسی این دایرةالمعارف بر آن نوشته است که ابتدا در نشریه فرهنگ، و سپس در کتاب سیر بی‌سلوک به چاپ رسیده است و کسانی که خواهان آشنایی بیشتری با این اثر هستند به آن مقاله مراجعه فرمایند.

در پژوهشگاه علوم انسانی، ترجمه امهات مقالات مربوط به دین به طور کلی از این دایرةالمعارف، از سه سال پیش به عهده اینجانب است که در حدود ۴۰-۵۰ مقاله را در ۵ دفتر (هر یک در حدود ۲۰۰-۲۵۰ صفحه در قطع وزیری) تدوین کنم. از این دفترهای پنجگانه که تحت عنوان دین پژوهی است، دفتر اول و دوم منتشر شده است. دفتر سوم تحت طبع است. دفتر چهارم در دست ترجمه است.

طبق همین انس و آشنایی با مسائل دین پژوهی، و این دایرةالمعارف بود که پیشنهاد دوست دانشورم آقای حسین پایا، مدیر محترم انتشارات طرح نو، را برای تدوین مجموعه‌ای منسجم و مرتبط با هم از مقالات این دایرةالمعارف که یکسره مربوط با مسائل و مباحث فرهنگی باشد، تحت عنوان فرهنگ و دین پذیرفتم و در این راه عده‌ای از صاحب‌نظران همراهی و همیاری فرمودند و ترجمه یک یا چند مقاله از ۲۲ مقاله منتخب را پذیرفتند.

همکاران فاضل و فرزانه این طرح عبارتند از: (۱) حجة الاسلام صادق لاریجانی (مقاله اخلاق و دین)، (۲) آقای ناصر ایرانی (سه مقاله به هم پیوسته ادبیات و دین)، (۳) دکتر فاضل لاریجانی (مقاله الهیات سیاسی)، (۴) دکتر مرتضی اسعدی (جدانگاری دین و دنیا، خوشنویسی اسلامی، انقلاب، اصلاح، سیاست و دین)، (۵) آقای کامران فانی (هنر مدرن)، (۶) آقای محمدرضا جوزی (عرفان)، (۷) خانم مهرانگیز اوحدی (زیبایی‌شناسی، رقص و دین، موسیقی و دین، پوشاک دینی در شرق)، (۸) آقای مجید محمدی (سینما و دین)، (۹) آقای داود حاتمی (نمایش و دین)، (۱۰) راقم این سطور (شک و ایمان، فلسفه و دین، روان‌شناسی دین، علم و دین).